

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

آهسته آهسته

شب یلدا شد و ، خرقِ حجاب آهسته آهسته
که آزاد از اسارت ، آفتاب آهسته آهسته
به آخر عمر شبهای دراز تارِ ظلمانی
به عالم می رسد دورِ شباب آهسته آهسته
نقاب از رخ فگنده ، جلوه ها دارد شه خوبان
وفا بر عهد و پیمان کتاب آهسته آهسته
ز محرابِ جمالش آیه ای از عشق بشنیدیم
بشارت ها بر یوم الحساب آهسته آهسته
به چشمِ سر عیان سِرّی ز اسرارِ لقا دیدم
جهان در خواب و جانان در خطاب آهسته آهسته
من حاضر بر سر بالینت ای عاشق ! چرا خوابی
بگیر از دامنِ وصلم ، شتاب آهسته آهسته
رحیقِ ناب از جامِ جمالم نوش جان فرما
که تا در آتشِ عشقم کباب آهسته آهسته
ز قربانگاه برگشتن ، نباشد شیوه مردی
هزاران جان نثار اندر ، تراب آهسته آهسته

به بزمِ عشقبا زان تا شدی رفعِ عطش ما را
تمامِ هست و بودم شد ، خراب آهسته آهسته
به دامِ زلفِ صیدم کرد ، از روی وفاداری
کمندِ عشق دارم ، در رقاب آهسته آهسته
الا صیدِ هوس ، تاکی ، اسیرِ کینه و بُغضی
رهان از چنگِ این و آن ، قطاب آهسته آهسته
تلاشِ دانه چون مرغی ، درین خاکِ سیه تاکی
گشا بال و پری همچون ، عقاب آهسته آهسته
ز اوجِ قله ها ، از تنگنای سینه ، فریادی
به مردی حرق و خرقِ هر حجاب آهسته آهسته
کجا روشن کند شمس و قمر تارِ شبِ دلها
به جز شمعِ محبت از صواب آهسته آهسته
به جرمِ آشنایی ها ، تپیدن در نفس دارم
وگر نه پای دل اندر رکاب آهسته آهسته
به پاسِ خاطرِ یاران ، به اوراقِ دلِ شوقم
نوشتم با زکاب و شد خضاب آهسته آهسته
الا قاصد ببر این نامه را در دستِ جانان ده
بگو «نعمت» ز هجرانت ، کباب آهسته آهسته

(20 دسمبر 2008)